

چراغ یاد در شبستان دل

جواد محدثی

و راهی طولانی که در پیش است، غفلت کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...» منافقون: ۹۱. قرآن حتی نماز جمعه را که برنامه‌ای عبادی، اجتماعی و سیاسی است، دارای جوهره ذکر می‌داند و توصیه می‌کند که وقتی شما را به سوی نماز جمعه فرا خوانند، به سوی یاد خدا بشتابید: «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» جمعه: ۹۲. یعنی نماز جمعه هم باید خاصیت تذکر و یاد خدا را داشته باشد و دل را در سایه این معنویت صفا بخشد و تنها به عنوان یک گردهمایی سیاسی مطرح نباشد.

قرآن دوست دارد پیروان دین خدا، در همه لحظات چراغ یاد را در شبستان دلشان روشن نگه دارند، چه روز و چه شب، چه در سفر و چه در حضر. توجه به پدیده‌های شگفت خلقت و آیات انفسی و آیات آفاقی، یادآور قدرت الهی و الهام‌بخش روح بندگی است. در کتاب خدا، همه پدیده‌های هستی، آسمان‌ها و زمین و شب و روز، «نشانه» است، نشانه‌ها و آیاتی برای خردمندان، که ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده، پیوسته به یاد خدایند: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» عمران: ۱۹۱.

این یاد، هم بازدارنده از گناه است، هم برانگیزنده حس شکر و سپاس و طاعت و بندگی در پیشگاه خدایی که «ولئى نعمت» و صاحب اختیار و مدبر امور ماست.

ذکری که سازنده است، تنها ذکر زبانی و تکرار واژه‌هایی خاص نیست. ذاکر، کسی است که پیوسته و در همه حال و همه جا، متذکر «عبودیت خویش» و «ربوبیت خدا» باشد. کسی که همیشه خود را «عبد» بداند و خدا را «رب» بشناسد، رابطه بندگی خود را با آفریدگار، به گونه‌ای تنظیم می‌کند که پا از گلیم

چنان نیست که تیرگی دل را نتوان درمان کرد. برای بسیاری از آفت‌های درونی از جمله غفلت، می‌توان داروی «ذکر» تجویز کرد.

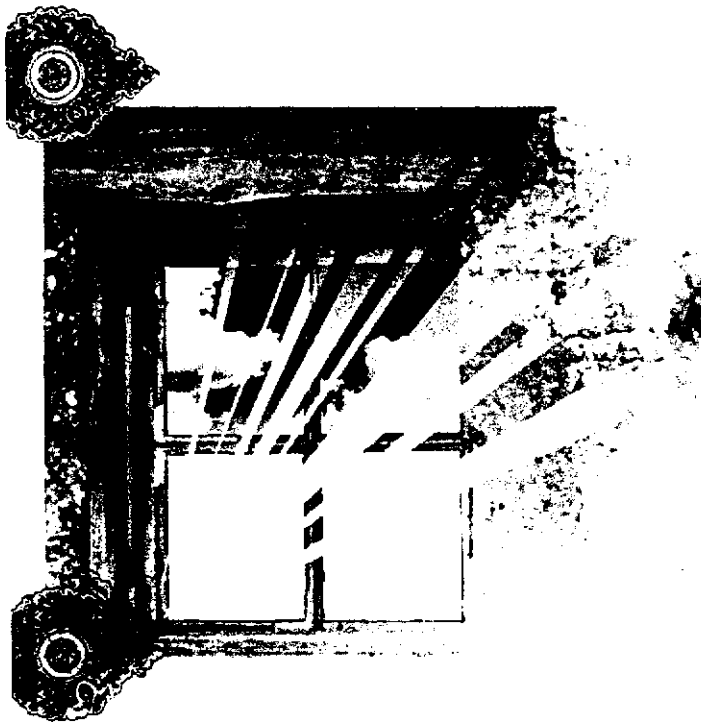
خودآگاهی، کیمیای گرانبهایی است که رستگاری را تضمین می‌کند. غفلت هم دردی است که «حیات طیبه» را تهدید می‌کند و زیربنا و ریشه عمده تباهی‌ها و سقوط‌های اخلاقی است.

قرآن کریم، هم خودش «ذکر» است، هم پیامبران آسمانی را «مذکر» می‌شمارد که رسالت خدایی آنان تذکر و یادآوری است، هم نماز را که تقویت‌کننده رابطه معنوی و عبادی انسان با آفریدگار است، «ذکر خدا» می‌شمارد.

چگونه می‌توان از «ذکر قرآنی و انبیایی» بهره گرفت؟ قرآن، یادآور خدا و فطرت و میثاق نخستین انسان با معبود است، یادآور نعمت‌های خدا به انسان، ضعف و زبونی انسان، کوتاهی و گذرا بودن عمر، حسابرسی قیامت، فلسفه خلقت، فرجام بهشت و دوزخ که در انتظار انسان است، وظیفه سپاس در برابر نعمت، دشمنی آشتی‌ناپذیر شیطان با انسان، تباه‌سازی حرص و آز، ذلت‌آوری تفرقه و تشتت، گوهر نفیس وجود انسان، سرنوشت شوم اقوام لجوج و ناسپاس گذشته، عزت و پیروزی در سایه قناعت و صبر و ... بسیاری نکته‌ها و درس‌هاست. این موضوعات، در قلمرو گسترده تذکرات قرآنی قرار دارد.

می‌بینیم که نقش ذکر در هدایت قرآنی، غفلت‌زدایی و سازندگی است. مفتاح «ذکر»، گشاینده درهای سعادت به روی انسان است. قرآن به غافلان هشدار می‌دهد که اسیر جلوه‌های فریبای زندگی نشوند. می‌گوید مبادا اموال و اولاد، شما را از «یاد خدا» غافل سازد و به این جلوه‌ها سرگرم شوید و از هدف اصلی

نقش ذکر در هدایت قرآنی، غفلت‌زدایی و سازندگی است. مفتاح «ذکر»، گشاینده درهای سعادت به روی انسان است. قرآن به غافلان هشدار می‌دهد که اسیر جلوه‌های فریبای زندگی نشوند



بندگی فراتر نبرد و راه عصیان و طغیان و خودخواهی نیوید. چنین کسی، نه نعمت‌های آفریدگار سبحان را در حق خودش و پدر و مادرش از یاد می‌برد تا گرفتار حالت ناسپاسی و خدانشناسی و کفران شود، و نه به وسوسه‌های نفس اماره و شیطان اجازه می‌دهد که او را اسیر دام‌های هوس سازند و عمر او را چراگاه شیطان گردانند.

انسان ذاکر، پیوسته به یاد خدایی است که «سمیع و بصیر» است. می‌داند که خدای نادیدنی، همواره او را می‌بیند و حرف‌هایش را می‌شنود؛ حتی از نجواها و نیت‌های او هم آگاه است و از انگیزه‌ها و محرک‌های درونی و ناپیدای او هم خبر دارد. آیا این ذکر، سازنده نیست؟

در پایان آیات چندی از کلام خدا، می‌خوانیم: «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»، یا «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». همه این‌ها نشان می‌دهد

که نزول آیات، بعثت انبیاء، تشریح احکام، نقل داستان‌های امت‌های گذشته، مثل‌هایی که قرآن می‌زند، آسان‌سازی کلام الهی، نهی‌هایی که از منکرات و مفسدات دارد، با هدف «تذکر» انجام می‌گیرد، بلکه انسان پنبه غفلت را از گوش جانش بیرون آورد و پذیرای هدایت‌های الهی گردد.

آن همه که قرآن از قصص انبیا و نیکان و بدان و صالحان و فاسدان یاد می‌کند و بارها به حضرت رسول توصیه می‌فرماید که از مریم، ابراهیم، اسماعیل، ادریس، ایوب، اسحاق، یعقوب و ... «اخیار» دیگر در کتاب یاد کند (وادکر فی الکتاب ...) برای آن است که از دعا و صدق و وفا و اخلاص و عبادت آنان الگو بگیریم و سیره خدابندانه آنان را سرمشق زندگی خود قرار دهیم.

یادکرد «یوم الله»‌هایی که مظهر قدرت و نعمت الهی است و مورد تأکید قرآن است، به نوعی دیگر سازندگی دارد تا از حوادث تاریخی عبرت بگیریم و هر چه بیشتر در مسیر عبودیت حرکت کنیم.

یادکرد «علم خدا»، ما را متوجه می‌کند که هیچ حرف و عمل ما از دانش خدا بیرون و پنهان نیست. او همه جا حاضر است، با آنکه جا و مکانی ندارد. او نگاه‌های افراد را هم می‌بیند، با آنکه خودش نادیدنی است.

یادکرد «ستاریت خدا»، انسان را به یاد کرامت و بزرگواری خدا می‌اندازد. او ستارالعیوب است، ولی جاهل و غافل نیست. می‌داند و می‌پوشاند. می‌فهمد و فوری مواخذه نمی‌کند. ولی نباید از این صفت خدا سوءاستفاده کرد.

لطف حق یا تو مداراها کند

چون که از حد بگذری رسوا کند

ذاکر، کسی است که پیوسته و در همه حال و همه جا، و متذکر «عبودیت خویش» و «ربوبیت خدا» باشد. کسی که همیشه خود را «عبد» بداند و خدا را «رب» بشناسد

و خدا نکند که انسان چنان غافل شود که از «خط قرمز»‌های الهی بگذرد و رسوا گردد، چه در دنیا، چه در آخرت. از یاد نبریم که آن عزیز یگانه، آن داور عادل، آن بصیر خبیر، در خلوت و جلوت و در تنهایی و جمع، با ماست و از ضمیر و ظاهر ما آگاه است و هر جا که باشیم، با ماست: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» حدید/۴؛ او هر جا که باشید، با شماست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

وقتی اساس کار شیطان، از یاد بردن خدا از دل و جان انسان‌هاست، راه مقابله با آن، یاد پیوسته الهی و به تعبیر قرآن، «ذکر کثیر» است. اگر شیطان بر دلی چیره شود، یاد خدا را از آن می‌برد. این سخن صریح خدا در قرآن است: «اسْتَخُوذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» مجادله/۱۹.

نتیجه فراموش کردن خدا، مسخ هویت انسان و از یاد بردن جایگاه و ارزش خویش و سقوط و تباهی است. این هبوط و سقوط در دنیا، و آن رسوایی عظیم در قیامت، سزای آنان است که گوهر «یاد» را گم کرده و گرفتار غفلت شده باشند. پیشگیری از آن هم با روشن نگه داشتن «چراغ یاد» در شبستان دل است.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله: بقره/۲۲۱، قصص/۴۲، زمر/۲۷، دخان/۵۸، اعراف/۵۷، نحل/۹۰، ذاریات/۴۹ و آیات متعدد دیگر.
۲. به مقاله «خودفراموشی و خدافراموشی» در شماره ۲۴ این مجله (تیرماه ۱۳۸۵) مراجعه شود.

